

بررسی و نقد نخستین آثار اسماعیلی (نیمه سده دوم تا نیمه سده چهارم هجری قمری)

- ۱ بهناز کبیباخی
۲ فاطمه جان احمدی

چکیده: بررسی و نقد نخستین آثار اسماعیلی از آن جهت ضروری است که اولاً ورود ما را در عرصه‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسماعیلیان نخستین، میسر می‌سازد و ثانیاً دلایل پیدایش آثار کلامی را در دوره‌های بعد آشکار می‌کند. این پژوهش توصیفی-تحلیلی مؤید آن است که آثاری که در ابتدا حاوی جهان‌بینی و مفاهیم معرفتی مکتب اسماعیلی است در نیمه سده سوم به سرعت با رویکرد تأویلی در فرجام‌شناسی و توجه به نظام ادواری ناطقان، به اثبات مشروعیت حکومت جدیدالتأسیس فاطمی می‌پردازد. این آثار در دوران تثبیت نظام فاطمیان (نیمه سده چهارم) با تعدیل رویکرد تأویلی و بسط روش‌های عقلانی، راه را برای تحولات اجتماعی-فرهنگی فاطمیان در دوره‌های بعد و رشد تولیدات کلامی گشود.

واژه‌های کلیدی: اسماعیلیان نخستین، نظام ادواری ناطقان، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، تأویل

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء (س) Bk_0043@yahoo.com
۲ دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)
janahmad2004@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۲۳ تاریخ تأیید: ۹۴/۱۰/۰۵

A critical study on early Ismaili resources (from mid second century to mid fourth AH)

Behnaz Keybakhil
Fatemeh Jan Ahmadi²

Abstract: A study on early writings of Ismailis is pivotal for two reasons: first it would lead us to understand the Ismaili epistemology and ontology in early days and second it would provide us with the reasons of generating the theological works in later Ismailis. Taking descriptive analytical approach, this research approves that early Ismaili works with the theme of Gnostic cosmology were soon transformed to some legislative works aiming Fatimid legitimacy in the mid third century A.H. This was by the means of *ta'wil* or exegesis in Ismaili eschatology and their view of cyclical system in history. In the mid fourth century along with the stability of Fatimid administrative power, the Ismaili works show sort of moderation in implementing *ta'wil* but taking more rational approach instead. This improvement contributed to the Fatimid cultural- sociological development as well as generating invaluable theological works.

keywords: Early Ismailis- the cyclical system of apostles- epistemology- ontology- exegeses

1Ph.D student in History of Islam, Alzahra University, Tehran, Iran, Bk_0043@yahoo.com

2 Associate professor, Department of History, Alzahra University, Tehran, Iran, Janahmad2004@yahoo.com

مقدمه

در حالی که در نیمه سده دوم، امتزاج عقاید و مذاهب گوناگون با مبانی اعتقادی اسلام، توسط فعالیت‌های سیاسی غالبانی چون ابوالخطاب و هواداران او به نحوی در حال تأثیرگذاری بر جهان‌شناسی اسماعیلی بود، دوران ستر ائمه اسماعیلی و فعالیت‌های مخفیانه داعیان، آغاز شد. با آنکه شواهد تاریخی از دوران ستر که از نیمه سده دوم هجری تا نیمه سده سوم به طول انجامید بسیار اندک است، اما می‌توان از مضامین آثار مکتوب به‌جامانده از آن دوره، دست کم به معرفت‌شناسی و جهان‌بینی داعیان دست یافت. پس از نیمه سده سوم، رهبر مستور اسماعیلیان نخستین در سلمیه شام با ادعای امامت برای خود و اسلاف خود اعلام ظهور کرد. این حادثه در سال ۲۸۶ق. نقطه عطفی در ساختار ایدئولوژیک فرقه اسماعیلیه که در آن زمان هنوز مبارکیه خوانده می‌شد ایجاد کرد. در میان آثار مکتوب این عصر، نامه عبیدالله مهدی به داعیان یمن که در آن سیادت او به عنوان ذریه پیامبر در تفسیری جدید از دور ناطقان اثبات شده است، از جمله منابع مهم این دوران محسوب می‌شود. با تشکیل حکومت در سال ۲۹۷ق. در افریقیه، فاطمیان با سرعت و سهولت بیش‌تری به تولید مکاتبات پرداختند. مهم‌ترین چهره ادبی این دوران جعفر بن منصور الیمن است که توانست با آثار تأویلی خود مبانی نظری عقاید فاطمیان اسماعیلی را تا پایان دوران تثبیت یعنی نیمه سده چهارم هجری به‌وسیله تأویل و باطنی‌گری محکم کند. جعفر همچنین با بازخوانی نامه عبیدالله مهدی در کتاب *الفرائض و الحدود* خود تنها سند تاریخی معتبر در اثبات مشروعیت نخستین امام فاطمی را ارائه داد. کتاب *المناظرات* ابن‌هیثم داعی از دوران انقلاب اسماعیلیان در مغرب، نخستین مجالس‌نگاری در آثار اسماعیلیان است که تأویلی نبوده و به دور از مباحث فرجام‌شناسی به اثبات اصول تفکر شیعه می‌پردازد. حدود پنجاه سال پس از این اثر کتابی به نام *تثبیت الامامه* منسوب به منصور بالله فاطمی سومین خلیفه فاطمی (۳۳۴-۳۴۱ق.) تألیف می‌شود که می‌توان آن را نخستین اثر در کلام سیاسی اسماعیلی دانست. تحقیقات معاصر در زمینه کلام متأخر اسماعیلی گرچه توسط پروفیسور هالم، مادلونگ، واکر و دفتری انجام شده است، اما به نظر می‌رسد تاکنون ترسیم دقیقی از سیر تحول و تطور کلام اسماعیلی تا دوران تثبیت نظام فاطمیان انجام نگرفته است. ضرورت و اهمیت این امر در آن است که در این بررسی، روند تعدیل رویکرد تأویلی اسماعیلیان نخستین در یک نمودار فرضی با گذار از دوران پیش‌فاطمی و ورود به دوران استقرار و تثبیت قدرت فاطمیان در نیمه سده چهارم هجری که در آن اتخاذ

رویکرد عقلانی ضرورت می‌یابد؛ با دقت ترسیم می‌شود.

آثار منسوب به اسماعیلیان نخستین در دوران استتار امامان اسماعیلی (قبل از نیمه سده سوم) در حالی که در دوران نخستین اسماعیلی پیش از انشقاق ایدئولوژیک سال ۲۸۶ق، تمایزی میان قرمطیان و فاطمیان وجود نداشت به نظر می‌رسد داعیان و فعالان قرمطی، آثار مکتوب اولیه را تألیف کردند.^۱ شاخصه مهم این دوران که آن را به دوران ستر اسماعیلی، معروف ساخته است تعهد به تقیه است. شاید بتوان گفت که این اعتقاد گنوستیک که در اندیشه شیعه جهت حفظ جان و مال پذیرفته شده بود، اسماعیلیه نخستین را بیش از پیش به ستر و کتمان و باطنی‌گری سوق داد. علاوه بر آن، سری نگاه داشتن باطن تعالیم الهی از کسانی که آن را درک نمی‌کنند و مستور نگاه داشتن عالی‌ترین مقام بشری به عنوان امام و مؤول تنزیل، تمسک به تقیه را شدت می‌بخشید. در حالی که با اطمینان، نمی‌توان گفت که اسماعیلیان به معنای خاص تا نیمه سده سوم دارای تشخص و هویت ایدئولوژیک بوده‌اند اما از آنچه در آثار بعد به دست آمده است به نظر می‌رسد تعدادی از نخستین داعیان بلندپایه قرمطی، فیلسوف نیز بوده‌اند. دو یا سه اثر که احتمالاً به آن دوران تعلق دارد حاوی مباحث فلسفی و کیهان‌شناسی و علوم طبیعی و مابعدالطبیعه است که مشخصاً باهدف معرفی گفتمان یا ایدئولوژی جدیدی در اندیشه شیعه امامی تألیف شده است. رویکرد هستی‌شناسانه مؤلفان این آثار، بهره‌ فراوانی از تعالیم گنوسی^۲ و فلسفه

۱ برای اطلاعات کتاب‌شناختی اسماعیلی نک: علینقی منزوی (۱۹۶۶م)، فهرست کتب والرسائل: فهرست المجموع (۱۹۶۶م)، ویرایش و تصحیح علینقی منزوی، تهران: مکتبه الاسدی؛

I. K. Poonawala (1977), *Bibliography of Ismaili Literature*, Malibu: California; Ivanow, V. (1933), *A Guide to Ismaili Literature*, London: Royal Asiatic Society.

۲ مکتب گنوسی که در سده‌های اول و دوم قبل از میلاد و اول تا سوم بعد از میلاد در فلسطین و سوریه و بین‌النهرین و مصر وجود داشته است مجموعه‌ای از ادیان و مذاهب و نحل‌های دینی است در آن نوعی معرفت باطنی و روحانی و فوق طبیعی مایه نجات و رستگاری انسان شناخته شده است. بیش‌تر فرقه‌های گنوسی مسیحی بوده‌اند. (غلامحسین مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، مذهب گنوسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۴۱۸) گنوسیس معرفت خداست و ریشه آن از اندیشه‌های یونانی است که از سده سوم میلادی توسط پارسیان به مکتب اسکندریه راه یافت که با ورود اندیشه‌های یونانی به فرهنگ اسلامی تأثیر خود را بر آن گذاشت. گنوستیسزم بر نحل‌های تندرو باطنی به عنوان مخالفان حاکمیت اثر گذاشت در حالی که متهم به ثنویت مانویت نیز شد. (محمد تقی مدرسی (۱۳۷۳)، *مبانی عرفان اسلامی*، ترجمه محمد صادق پرهیزکار، تهران: بقیع صص ۳۱-۳۲) در خداشناسی گنوسی خداوند غیر موجود مطلقاً منزّه، صانع جهان نیست اما قوایی را که عهده‌دار امور جهان هستند صادره از خدا می‌داند. جهان به‌وسیله اشراقات دائمی که از ذات الهی صادر می‌شود به وجود می‌آید و مراتب این تجلیات، نزولی است یعنی هر یک از اشراقات نسبت به مابعد خودش احسن است. (علی ←

نوفیثاغوری^۱ و فلسفه ارسطویی برده است. این تلاش‌های معرفت‌شناختی، مؤید آن نیز هست که اذهان برتر جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری، همگام با کندی و فارابی و اخوان‌الصفاء در صد تقریب دین و فلسفه بوده‌اند. شاید بتوان عبدان رهبر قرمطی را از جمله پیشتازان تفکر فلسفی اسماعیلی دانست. در رساله‌ای از او به نام *الابتداء* که متن آن در دست نیست و ما از طریق گزارش قاضی نعمان آن را می‌شناسیم، او از زمان خلق انسان در زمین به عنوان «عالم حریق» نام برده است.^۲ اثر دیگری از این دوران کتابی به نام *شجره‌التیقین* است که عارف تامر در ۱۹۵۷م. آن را نزد مهاجران اسماعیلی قدموس در سلمیه شناسایی کرد. این کتاب رویکرد فرجام‌شناختی دارد و ترکیبی است از فلسفه و نص و تأویل. نویسنده با تکیه بر ادوار پیامبران و ناطقان، کیهان‌شناسی و مراتب عوالم علوی و سفلی بدون اشاره به نام محمدبن اسماعیل، قائم را «مجمع شرائع نطقا و اعمال

→ اکبر دهخدا (۱۳۷۷)، *لغتنامه دهخدا*، گنوستیسم، ج ۴۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۷۳ در این جهان‌شناسی، آفرینش جهان نتیجه هبوط یک مخلوق غیر جسمانی به نام کونی (از کن یعنی باش یا بشو) است که با آفریدن قدر که بر قدرت تعیین‌کننده خداوند یا تقدیر دلالت دارد عالم روحانی و سپس عالم جسمانی را خلق می‌کند. در نتیجه این ترتیب، انسان خلق می‌شود در حالی که از اصل خود بسیار دور افتاده است. (هاینز هالم (۱۳۹۰)، «جهان‌شناسی اسماعیلیه پیش از فاطمیان»، *تاریخ و اندیشه‌های اسماعیلیه در سده‌های میانه*، فرهاد دفتری، ترجمه فریدون بدره‌ای، فرزانه روز) در این جهان‌شناسی همان‌طور که انسان کیهانی در افلاک هفتگانه، محصور است روح هم در عالم صغیر انسانی توسط هفت پوشش محصور شده است. روح نجات نیافته در نفس و جسم غرق شده، از خودآگاهی ندارد و بیداری و آزادی او از طریق معرفت صورت خواهد پذیرفت. (طاهره حاج ابراهیمی، «عرفان یهودی و مکتب گنوسی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، *پرتال جامع علوم انسانی*، کد ۸۸۳۷۸. به نقل از 44، p. *The Gnostic Religion*, (Jonas, Hans) فرهاد دفتری نیز در ترسیم تصویری از نظام جهان‌شناسی اسماعیلیه اولیه معتقد است که اسماعیلیان جهان‌شناسی خود را با ترکیب و تلفیقی از تاریخ دوران یهودیت و مسیحیت که در آن، زمان و تاریخ دینی بشر در دوران هزارساله قرار می‌گیرد، جهان‌شناسی گنوسی و دیدگاه خلقت قرآن و تفکر معادی شیعه به وجود آوردند. (Daftary, Farhad (2011), *The Ismailis: Their History and Doctrine*, Second Edition 2007, Cambridge University Press, reprinted, p. 129) باین‌حال او نظام جهان‌شناسی اسماعیلی را بدیع می‌داند و با تأیید تأثیر عقاید غالیان بر جهان‌شناسی اسماعیلی، الگوی گنوسی را در این نظام انکار می‌کند. (فرهاد دفتری (۱۳۸۶)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزانه روز. صص ۱۶۷-۱۶۸)

۱ منتسب به فیثاغورث فیلسوف و ریاضی‌دان یونانی است (۵۷۲ قبل از میلاد). او معتقد به جاودانگی روح و وحدت کائنات و بطان عالم محسوس و حدس اشراقی و تزکیه و تطهیر نفس برای اتحاد با خدا و رهایی انسان به دست پیامبران و تشبیه انسان به خدا بوده است (فاخوری حنا و خلیل الجر (۱۳۶۷)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۳۵). توجه به عدد و علم اعداد و تعبیر ماورائی آن و تقدس برخی اعداد در شرح نظام مابعدالطبیعه نوفیثاغوری تأثیر بسزایی داشته است. نوفیثاغوریان قائل به تعلیم نزد استاد در انجمن‌های سری بودند و علم را مخصوص خواص می‌دانستند.

۲ عارف تامر (۱۹۷۵)، *خمس رسائل اسماعیلیه*، سلمیه، سوریه: منشورات دارالانصاف، ص ۴۱. عالم حریق در مقابل عالم ظلمانی است که در آن هیولا از نفس و صورت از هیولا پدید آمد.

آن‌ها و صاحب کشف و تأویل» می‌داند. او در این کتاب به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد و فقهای قشریه که تنها به ظاهر دین اکتفا کرده و باطن آن را واگذاشته‌اند را ذمّ می‌کند و آن‌ها را «بالسه بالقوه» می‌نامد. جهان‌شناسی او نوافلاطونی است. او خدا را مبدع و ظاهرکننده اصلین می‌داند و از لواقع که فرمان‌بردار ناطق‌اند می‌گوید. او همچنین با تفکیک عوالم مبدعات به ظاهر و باطن به تطبیق عوالم علوی و سفلی پرداخته، ائمه را باطن آسمان‌ها و لواقع را باطن زمین می‌نامد. این اثر، فرجام‌شناسی و معادشناسی اسماعیلی را با تأویل آیات قیامت و نفخ صور و ترکیب آن با جهان‌شناسی اکواری^۱ گنوسی و با انکار معاد جسمانی به طور اعجاب‌انگیزی توجیه می‌کند.^۲ مباحثی که در این اثر مطرح شده است از موارد نادر در آثار اسماعیلی است که در آن به هستی-شناسی و مابعدالطبیعه توجه خاص شده است. تأویل آیاتی چند در تفسیر و توضیح انسان بالقوه و بالفعل و متولدات، عقل و نفس و اجناس و صور روحانی و جسمانی و طبائع، بیانگر آن است که مؤلف به نوعی سعی در تبیین نظریات جدید یا بازخوانی فلسفی معتقدات پیشین دارد که این واقعیت، شباهت این اثر را به رسائل اخوان الصفا بیش‌تر می‌کند. در حالی که عارف تامر معتقد است که این کتاب از عبدان است اما مؤلف در این کتاب از کتاب *الابتداء* خود سخنی به میان نیاورده است؛ بلکه به کتاب دیگر خود به نام *البرهان* اشاره می‌کند که در آن «حقایق منغلقة» در کتاب حاضر را ایضاح نموده است. نویسنده همچنین به رساله‌های دیگر اسماعیلی از جمله *المیزان* که مفقود است و نیز *المحصل النسفی* و *الحاصل سجستانی* اشاره کرده است. همچنین به نظریات جالینوس و محمدبن زکریای رازی در کتاب *الخواص* او نیز اشاره می‌کند.^۳ طبق تحقیقات جدید، کتاب *شجرة الیقین* قسمتی از کتاب *الشجرة* تألیف ابوتمام داعی قرمطی بوده که در سده چهارم می‌زیسته و از پیروان نسفی بوده است.^۴

۱ در این جهان‌شناسی که مخلوطی از جهان‌شناسی نوافلاطونی و گنوسی است نفس کلی بالفعل، ناقص است و تنها با تلاش نفس انسانی است که به کمال ابداع یعنی عقل بازمی‌گردد. انسان در فرآیند تاریخی رسیدن به این کمال که به دوره‌های مختلف پیامبران تقسیم شده است از حقایقی که در هر دور از پیامبران یا جانشینان او می‌رسد بهره‌مند می‌شود و به رستگاری می‌رسد پس بر آدمی فرض است که ناطق دور خود را بشناسد تا توسط او به درک برکات عقل نائل شود. قائم که ناطق آخرین دور تاریخ است آغازگر دور معرفت حقیقی مطلق است. (اسحاق بن احمد ابویعقوب سجستانی اَبی‌نا، *الافتخار*، تحقیق و تقدیم مصطفی‌غالب، بیروت، دارالاندلس، ص ۷۵؛ اسحاق بن احمد ابویعقوب سجستانی (۱۳۷۷)، *اثبات النبوات*، حقیقه و قدم له عارف تامر، بیروت: اَبی‌نا، ص ۱۹۱).

۲ داعی عبدان (۱۹۸۲م/۱۴۰۲ق)، *شجرة الیقین*، به تحقیق عارف تامر، بیروت: دارالافتاح الجدیده.

۳ همان، صص ۵۷ - ۵۸.

۴ در این مورد پل واکر در مقاله‌ای با عنوان *Abu Tammam and his kitab al-shajarah: A new Ismaili treatise from*

روش نگارش نخستین داعیان ناشناس اسماعیلی دوران مکتوم که در آثار بعدی نیز قابل مشاهده است، روش فلسفی - کلامی است. مباحث کیهان‌شناسی، الهیات‌شناسی و فرجام‌شناسی اسماعیلیان نخستین، مبتنی بر خداشناسی گنوسی، تجلی و صدور، نظام سلسله مراتبی آفرینش، حرکت تکاملی روح و تاریخ ادواری پیامبران است. وفاداری مؤلفان اسماعیلی به مستور نگاه داشتن اسامی امامان و تکیه بر جلوه باطنی حقایق، پیش‌فرض‌های تفسیری و تأویلی آنان را در شناخت حقیقت عالم قوت بخشید و توانست حلقه‌های زنجیره معرفت‌شناسی اسماعیلیه را با پیوند تأویل در دوران بعدی محکم نماید. از نقطه نظر تاریخ‌نگاری، این آثار، مؤید دورانی است که تحرکات فکری و فلسفی و عقیدتی، دستخوش تحولات اجتماعی و جو مبارزاتی جامعه بود و قرمطیان در پی تثبیت پایگاه اجتماعی خود، نظام فکری و اعتقادی اسماعیلی را سامان می‌بخشیدند. شایان ذکر است که جنبش قرمطی با کمک ساختار اعتقادی شیعه امامی و با تکیه بر فرجام‌شناسی خود و بشارت ظهور قریب‌الوقوع مهدی از آل پیامبر^(ص) به عنوان ناطق هفتم و پایان‌دهنده دور پیامبران و امامان و گستراننده عدل و قسط در زمین بود که توانست در جذب توده‌های بیکار جو و براندازی نظام عباسیان موفقیت‌های زیادی کسب نماید. داعیان قرمطی همان‌طور که در بعد مبارزاتی نهضت و پیام‌رسانی و نیابت از امام مستور در جنب‌وجوش بودند در تولید ایدئولوژی و فرهنگ و آئین خاص قرمطی نیز از تلاش باز نایستادند.

با وجود تمایل فاطمیان به استفاده از رساله‌های داعیان قرمطی، رساله‌های قرمطی با نظریه - پردازی النسفی در کتاب *المحصول* با ورود مباحث فلسفه نوافلاطونی و تعریفی جدید از نظام ادواری ناطقان و لواقح دانستن امامان فاطمی، تمایز خود را نسبت به رویکرد سنتی فاطمیان در جهان‌شناسی آشکار کرد. در ادامه این نواندیشی، آثاری چون *الاصلاح ابو حاتم رازی*، *النصره ابو یعقوب سجستانی* و *الریاض کرمانی* فصل جدیدی در تولیدات کلامی اسماعیلی در دوره‌های بعد گشود. به نظر می‌رسد در واقع جهان‌شناسی و مابعدالطبیعه قرمطی در گذار از عصر مباحث انتولوژیک، توانست در نظریه‌پردازی‌های نسفی - رازی - سجستانی، دستمایه فرجام‌شناسی و

→

tenth century Khurasan که در *ژورنال انجمن شرق شناسی امریکا*، Vol 114, No 3, 1994 چاپ کرده است ثمره تحقیقات خود در مورد این کتاب را آورده است. او با تطبیق این کتاب و *الایضاح* با استناداتی که از آن‌ها در فهرست *مجدوع* و نیز مجموعه *همدانی* وجود داشته و نیز در تطبیق با *المحصول نسفی* به این نتیجه می‌رسد که ابوتمام که احتمالاً از شاگردان نسفی در اوایل سده چهارم بوده است این کتاب را نوشته است. دکتر دفتری نیز به این موضوع اشاره کرده است؛ F. Daftary (2004), *Ismaili Literature*, London: pp. 107-108.

مباحث امامت در دوران فاطمیان شود.

آثار اسماعیلی در نیمه دوم سده سوم

با نزدیک شدن به نیمه سده سوم هجری و بحران مشروعیت اقتدار عباسیان، فعالیت‌های مبارزاتی قرامطیان شدت گرفت. در حالی که داعیان اسماعیلی در گوشه و کنار سرزمین عراق و شام و ایران و یمن، ظهور مهدی را بشارت می‌دادند و با تعالیم سَری در حال جذب نیرو بودند، تنی چند از آنان نیز به سوی مغرب و افریقه رهسپار شده و توانستند قبایل بربر ناخشنود از ظلم و البان عباسی را با شعار مساوات و عدالت به گرد خود جمع کنند تا بدین ترتیب مقدمات تحولی بزرگ در تاریخ اسلام را در مغرب رقم زنند. در این ایام، شیعیان اثنی عشری نیز با غیبت امام دوازدهم خود دوران تنهایی و وحشت را سپری می‌کردند بنابراین کثیری از آنان برای مشارکت در جنبش مهدی‌گرای اسماعیلی جذب دعوت الهادی آنها شدند. در این زمان، نقش فرهنگی و علمی داعیان، برجسته‌تر می‌نماید. اهمیت شناخت نقش فرهنگی و علمی داعیان اسماعیلی در این دوره، از این روست که روش و نگرش داعیان اسماعیلی در تولید مکتوبات در این زمان، هم از جنبه شناخت ساز و کارهای تعلیم در نظام دعوت اسماعیلی ارزشمند است و هم از دیدگاه نظریه‌پردازی‌های تازه در آن عصر.

بررسی آثار این دوره نشان می‌دهد که تمایل به رهبری جامعه توسط امام ظاهر بالسیف به نام مهدی، یک واقعیت انکارناپذیر بوده است. این امر در نامه تاریخی عیدالله مهدی به جامعه اسماعیلی در یمن مشهود است و یادآور دکتورین رادیکال زیدیه در نیمه سده دوم هجری است. به نظر می‌رسد جامعه بار دیگر و این بار در اواخر سده سوم هجری شاهد ظهور امامی ظاهر خواهد بود و این وظیفه داعیانی چون ابن حوشب منصور الیمن و فرزندش جعفر و ابو عبدالله شیعی و برادرش ابوالعباس بود که نقش مهم خود را در دوران گذار از اندیشه امام غائب به امام ظاهر ایفا کنند. این نقش نه تنها در تدوین نخستین گزاره‌های جدید فرجام‌شناختی شاخه فاطمی از فرقه مبارکیه، حیاتی بود بلکه در فرآیند کسب مشروعیت امامت عیدالله مهدی به عنوان فرزند دختر پیامبر^(ص) و همچنین مشروعیت نظام فاطمیان در مغرب، کارساز شد.

۱. ابن حوشب و کتاب الرشد و الهدایه

حسن بن فرح بن حوشب مکنی به ابی القاسم که به گزارش قاضی نعمان در افتتاح الدعوة، از قرآء و

طالبان فقه و حدیث شیعه امامیه اثنی عشری بود پس از غیبت دوازدهمین امام شیعیان (۲۶۱ ق.) در سنه ۲۶۶ ق. و در کوفه به همراه علی بن فضل که او نیز شیعی و اهل یمن بود توسط امام زمان اسماعیلی برای امر دعوت به یمن فرستاده می‌شوند. او به سال ۲۶۸ ق. به یمن می‌رسد و پس از دو سال دعوت مخفیانه در سال ۲۷۰ ق. دعوت خود را در عدن لایحه علنی می‌کند. طبق آنچه قاضی نعمان آورده است، ابن حوشب در یک مکاشفه یا ملاقات واقعی با امام زمان اسماعیلی یقین پیدا می‌کند که اگر امامی از دنیا رفته باشد خداوند امر خود را قطع نکرده و خلق را بدون حجّت و امانی نمی‌گذارد بلکه حجّت یا امامی زنده در هر عصر وجود دارد و او به دنبال یاران و شیعیان واقعی خویش است. امام اسماعیلی پس از آزمایش علم و صبر او، به او کتابی از اصول و رموز می‌دهد و از او پیمان می‌گیرد که در هدایت و دعوت کسانی که آمادگی یا شایستگی درک علم باطن دارند بکوشد تا دولت او برافراشته و دعوات او در دنیا پراکنده شوند.^۱ ابن حوشب کوفی در ۳۰۲ ق. وفات می‌کند.

متن عربی قسمت کوچکی از کتاب *الرشد والهدایة*، نخستین بار توسط محمد کامل حسین از روی نسخه‌ای متعلق به مجموعه آصف فیضی ویرایش شد. ایوانف این اثر را که با نام *منصور الیمن* به پایان رسیده است در بخش پایانی کتاب ابویعقوب سجستانی «سَلْمُ النجاة» پیدا کرد و در بخش سوّم کتاب خود، «مطالعاتی در مورد اسماعیلیان ایران»^۲ به انگلیسی ترجمه کرده و با توضیحاتی در مورد نسخه‌های اصلی و اطلاعات تاریخی ارائه کرده است. باینکه شواهدی در صحّت و سقم انتساب این اثر به ابن حوشب وجود ندارد اما کامل حسین معتقد است با توجه به مضمون آن می‌توان گفت این اثر، متعلق به دوران پیش از فاطمیان و نمونه‌ای از مواعظ آن‌ها قبل از دست‌یابی به نظام سیاسی است. ایشان همچنین معتقد است این اثر بیان‌گر دگرترین فاطمیان قبل از پیروزی سیاسی آن‌هاست و در دوران فعالیت ابوعبدالله شیعی نوشته شده است.^۳

این اثر تأویلی که از نظر تاریخ‌نگاری، یک رساله اعتقادی و فرجام‌شناختی است به اثبات نظریه دوری بودن ناطقان از طریق ترتیب سور قرآنی می‌پردازد. نویسنده معتقد است که ۱۱۴ سوره قرآن دلالت بر اوقات (ادوار) شش‌گانه‌ای دارد که در آن مجموعاً هفت ناطق که هر کدام

۱ قاضی نعمان (۱۹۸۶)، *افتتاح الدعوة*، تحقیق فرحات دشرای، [بی‌جا]: شرکت التونسیه لتوزیع، ج ۲، صص ۱-۱۷.

۲ *Studies in Early Persian Ismailism*, Section III.

۳ *Fragments of Kitābur-Roshd Wal-Hidayat*, ed Mohammad Kamil Hussein, in *Collectanea*, Vol 1, ed. W. Ivanow, p. 185.

هفت امام و دوازده حجّت دارند ظهور می‌کنند.^۱ در این نظریه، باطن اولین سوره قرآن، محمد (ص) است و پس از هفت سوره، باطن هشتمین سوره، ناطق هفتم یا مهدی و یا وقت ظهور اوست. این دور شش بار در قرآن تکرار شده است و هر بار این امر اثبات می‌شود که ادوار پیامبران (ناطقان به ظواهر شرایع)، مبتنی بر ظهور یک ناطق در رأس هر دور و مهدی (ناطق هفتم و برپا کننده قیامت) در انتهای آن بوده است. دور از یک ناطق شروع و پس از هفت امام به ناطق بعدی می‌رسد که همان امام هفتم دور قبلی است. او با استفاده از حساب جمل و رمزگشایی حروف، مهدی را دهمین از محمد و علی و نیز سابع ناطقان و ثامن ائمه از ذریّه علی می‌داند که با تصدیق شرائع پیشین، شریعت دیگری نمی‌آورد و این امر وجه تمایز او از سایر نطقاست. نویسنده او را ختام می‌نامد و ختام را فوق مختوم و مهدی را نهایت دو رتبه و خاتم هر دو می‌داند. نویسنده در ادامه جایگاه متمّم (وصی یا امام) و حجّت (نقیب) را در مراتب حدود، تأویل می‌کند و با تأویل آیات به شرح وظایف آنان می‌پردازد. او در یک تعبیر، حجج اثنی عشر اسماعیلی را جمع نقباء و حجج می‌داند که با تأویل چهار ماه حرام به چهار نقیب، تنها یکی از آنان را نقیب اکبر و صاحب تأویل و علم باطن می‌داند. او لواقع را نقیابی می‌داند که علم ظاهر شریعت که ناطق آورده است را بیان کرده و به آن بشارت می‌دهند. او در تعبیری دیگر معتقد است وصی، تأویل را نمی‌گوید بلکه آن را به حجّتش القاء می‌کند و حجج، علم باطن را اقتباس می‌کنند. در پایان، نویسنده به اهمیت مقام وصایت که پس از رسالت و قبل از امامت است اشاره می‌کند و با تأکید بر حقانیت وصایت و امامت علی^(ع) متذکر می‌شود آنان که دعوت دعوات را منع یا ردّ می‌کنند در واقع، امام خود را انکار می‌کنند و اصحاب الدعوات یعنی داعیان کسانی هستند که به عنوان اصحاب الیمین در روز قیامت، مجرمین و مکذبین را بازخواست می‌کنند تا آنجا که گناهکاران اقرار کنند که چون مهدی، سابع ناطقان را تکذیب کردند اکنون در جهنم هستند.^۲

در زمان این اثر، محمدبن اسماعیل به عنوان امام هفتم در پایان دور ششم مستور شده است و اسماعیلیان (به معنای عام) در انتظار رجعت یا ظهور مجدد اویند اما این حوشب با دعوت به ناطق سابع، به رجعت یا ظهور مجدد او (محمدبن اسماعیل) اشاره‌ای ندارد، او مسیح‌وار فقط ظهور او را

۱ این با اعتقاد عبیدالله مهدی در تناقض است. عبیدالله مهدی قائل به تعداد نامحدود ائمه بین دو ناطق ششم و هفتم است که در ادوار هفتگانه ظاهر خواهند شد (نه هفت امام بعد از ناطق) تا آنگاه که ناطق هفتم ناگهان ظاهر شود. منبع: جعفر بن منصور الیمین، فرائض و حدود الدین، نسخه خطی شماره Ms 928، 73:6 در مرکز اسماعیلی لندن.

2 Collectanea I, ibid, pp. 198ff.

بشارت می‌دهد. ابن‌حوشب همچنین با تأویل لیل و نهار به امام و حجّت، حجت را در زمان امام، حجت و در زمان نبود امام، امام می‌داند. این امر علاوه بر اهمیت استراتژیک آن در ایده جدید عیدالله مهدی در امام خواندن حجج در دوران ستر، کاشف از سابقه عقیده اثنی‌عشری ابن‌حوشب نیز هست که در آن حجج دوازده‌گانه همان ائمه و ائمه همان حجج الهی هستند. علاوه بر آن اندیشه امام مستور یا غائب، هنوز بر جامعه مستولی است؛ اما جامعه در تکاپوی یافتن او یا پیام‌های او از طریق داعیان و در تب و تاب ظهور قریب‌الوقوع اوست. این امر فرجام‌شناسی اسماعیلی را که در آغازین دوران نهضت اسماعیلی (قبل از اعلام امامت عیدالله مهدی) است واقع-گرایانه و ملموس کرده است هرچند گفتمان کاریزماتیک شیعی، صبغه ایده‌آلیستی به آن می‌دهد. در این جهان‌شناسی، مهدی فقط یکی است و تا ظهور او حجج اثنی‌عشر ناقلان علوم او هستند. شاید این سؤال که آیا شمار ائمه مستور باید به دوازده برسد تا ناطق هفتم ظهور کند، بود که جامعه را در نشاط فرج او نگاه داشته بود. این اثر متعلق به زمانی است که از دید جهان‌شناسی معاصر، خود در دوره آخرالزمان قرار گرفته و منتظر ظهور قریب‌الوقوع ناطق سابع و برپاکننده قیامت است. در این دیدگاه فقط رسول و وصی و امام و حجّت و داعی، (حدود الهی) هستند که فرائض الهی را اقامه می‌کنند و مؤمنین کسانی هستند که با لیبیک به اصحاب‌الدعوة به رستگاری می‌رسند. این امر، مبین این واقعیت است که نهضت شیعی اسماعیلی در نیمه دوم سده سوم هجری یک ایدئولوژی قابل قبول بوده است که با تمام ساز و کارهای معرفت‌شناختی و جهان‌شناختی خود در مقابل هژمونی اهل سنت قرار گرفت. این تقابل نه تنها محرک نهضت بلکه تسریع‌کننده حرکت آن بود، چنانچه فعالیت داعیان یمنی و مغربی در این زمان شدت گرفت و زمینه برای تشکیل نظام شیعی فاطمیان در افریقه مهیا شد. در همین ایام بود که عیدالله مهدی با امام زمان دانستن حجج در زمان ستر، تلویحاً حجج دوازده‌گانه ابن‌حوشب را انکار کرد و با نظریه «هر امام محمدبن اسماعیل و مهدی است» فرجام‌شناسی و معادشناسی اسماعیلیان را با چرخشی ایدئولوژیک با جدائی از قرامطه متحوّل کرد. این ایدئولوژی با آثار جعفر بن منصور الیمن مستحکم شد و در دوران بعدی تکامل پیدا کرد.

۲. جعفر بن منصور الیمن و آثار او

آنچه در مطالعه آثار اسماعیلی نخستین دست‌کم تا عهد سومین خلیفه فاطمی، منصور بالله،

قابل توجه است گرایش باطنی‌گری و رشد اندیشه تأویل در اعتقادات و ادبیات اسماعیلی است. شاید بتوان جعفر بن منصور الیمن را با آثاری چند در تأویل، طلایه‌دار تولید این ادبیات دانست. تأویل آیات فرجام‌شناختی و رجعت مهدی و توصیف و تأویل واژه «حدود الهی» در دکترین فاطمی از جمله نکات مهم مورد توجه این داعی مشهور اسماعیلی بود که توانست در آثار خود به آن‌ها بپردازد. تلاش جدی جعفر بن منصور در گسترش اندیشه باطنی‌گری و تأویل، نه تنها در آثار بعدی اسماعیلی تأثیر گذاشت بلکه از نقطه نظر سیاسی نیز در مشروعیت‌بخشی به نظام شیعی فاطمیان بسیار مؤثر بود. رویکرد نقلی جعفر در اثبات امامت، شاخصه‌های کاریزماتیک امام را در ادبیات تأویلی برجسته کرد و این امر در راستای روح انقلابی دعوت فاطمی به امام ظاهر بسیار کارساز افتاد.

از دوران حیات جعفر بن منصور در افتتاح الدعوة قاضی نعمان و عیون الاخبار داعی ادریس و کشف الاسرار الباطنیة و اخبار القرامطه از محمد بن مالک یمنی چنین برمی‌آید که این داعی بزرگ اسماعیلی که تاریخ تولد و وفات دقیق او معلوم نیست (تولد حدوداً سال ۲۷۰ق، وفات در منصوریه سال ۳۴۷ق)^۱ پس از مرگ پدرش داعی منصور الیمن یا ابن حوشب، تنها فرزند او بود که به عیدالله مهدی وفادار ماند و برای یاری او در سال ۳۲۲ق. به مغرب، مهدیه دربار خلافت القائم (۳۲۲-۳۳۴ق.) امام دوم فاطمی رفت. او دوران منصور و المعز را نیز درک کرد و داناترین فرد در تأویل اسماعیلی بود و نزد معز جایگاه رفیعی داشت.^۲ جعفر در حدود ۵۲ سالگی به مغرب می‌رسد و بیست و پنج سال در دربار فاطمی به عنوان «باب الابواب» به تبلیغ و تولید آثار کلامی می‌پردازد. او دارای آثاری چون: کتاب الکشف، سرائر و اسرار الناطقان، الشواهد والبیان فی اثبات مقام امیر المؤمنین والائمة (نسخه خطی)، تأویل الزکاة، الفرائض و حدود الدین، العالم و العلام است. مصطفی غالب آثار دیگر او را در مقدمه کتاب الکشف او این گونه برشمرده است: کتاب الفترات و القرائنات، رساله تأویل سورة النساء، رساله المراتب و المحيط، رساله فی معنی الاسم الاعظم، رساله الرضاع فی الباطن.^۳ جعفر بن منصور الیمن طبق گفته داعی ادریس در عیون الاخبار نزد ائمه فاطمی، قائم و منصور و معز، مقامی ارجمند داشته است و گفته می‌شود حتی از قاضی نعمان نیز بالاتر بوده است.^۴

۱ جعفر بن منصور الیمن (۱۴۰۴ق.)، الکشف (مقدمه)، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس، ص ۱۳.

۲ داعی ادریس (۱۹۷۵)، عیون الاخبار، مصطفی غالب، ج ۵، بیروت: دارالاندلس، صص ۲۰۶-۳۳۰.

۳ جعفر بن منصور الیمن، همان، ص ۱۱.

۴ جعفر بن منصور الیمن، همان.

۲.۱. کتاب الکشف

نسخه کتاب الکشف که در هیچ کدام از مجموعه‌های همدانی و زاهد علی وجود ندارد توسط پروفیسور اشتروتمان (۱۸۷۷-۱۹۶۰م.) در لندن در سال ۱۹۵۳م. توسط مؤسسه تحقیقات اسماعیلی در لندن برای انجمن تحقیقات اسلامی به چاپ رسید. او با استفاده از دو نسخه متعلق به سده هجدهم میلادی یکی در برلین و دیگری متعلق به یک مجموعه خصوصی به تصحیح این کتاب پرداخت که هر دو نسخه آن را به جعفر پسر ابن حوشب داعی یمنی منسوب کرده‌اند. پروفیسور اشتروتمان خود در مورد تاریخ اثر و صحت انتساب این نسخ به جعفر بن منصور الیمن مردد بوده است.^۱ اشتروتمان در سال ۱۹۵۲م. این کتاب را در بمبئی چاپ کرد؛ اما به دلیل شکایت داعی مستعلوی هند، طاهر سیف‌الدین، از توزیع آن جلوگیری کرد. مصطفی غالب در مقدمه کتاب الکشف که به تصحیح او در ۱۹۸۴ توسط دارالاندلس به چاپ رسیده است از اهدای نسخه اثر به او توسط رئیس مجلس اعلای اسماعیلی حیدرآباد در اوایل سال ۱۹۵۴م. خبر داده است. او این نسخه اهدایی را پس از آن که داعی مستعلوی طاهر سیف‌الدین از انتشار تصحیح اشتروتمان جلوگیری کرد به تصحیح می‌رساند تا خدمتی به علم و معرفت کرده باشد. او این تنها نسخه مخطوطه را دارای ۱۳۲ ورق با ۱۱ تا ۱۴ سطر در هر صفحه و به خط زیبا که برخی عناوین و رموز آن با مداد قرمز نوشته شده است توصیف کرده است. فردی به نام عبدالعزیز در رجب سال ۱۰۷۴ق. آن را نسخه پردازی کرده است.^۲

این کتاب مجموعه‌ای از شش رساله کوچک است که در آن نویسنده با محور قرار دادن اصل امامت و مقام امام و انطباق حدود الهی با مبدعات هستی به تأویل آیات قرآن می‌پردازد. جعفر بن منصور در رساله اول با اشاره به آیات میثاق الهی بر پیامبران، از خواننده پیمان می‌گیرد که حقیقت مکشوفه در آن را بر کسی آشکار نکنند مگر بر کسی که حق را می‌شناسد. به اصطلاحات و واژه‌های نصیری چون قباب دهگانه که هفت از آن‌ها ناطقان و سه دیگر کالی و رقیب و باب است به عنوان کسانی که دارای علم مکتون الهی هستند و نیز حجج پیامبران از آدم تا محمد^(ص) اشاره کرده است. او بدون اشاره به حجج دوازدهگانه ابن حوشب در کتاب الرشید

۱ اقتباس از

Cambridge Online Journals (Feb. 1955), Bulletin school of Orientals and African Studies, vol 17, 01, p. 184.

۲ جعفر بن منصور الیمن، همان، صص ۱۸-۱۹.

والهدایة، حجت را به عنوان امامی که بعد از امام است (مانند نظریه ابن حوشب) می‌داند و آنگاه که به جعفر بن محمد الصادق می‌رسد فرزندان او را یکی پس از دیگری تا ظهور قائم، امام می‌داند. نویسنده، هر امام را قائم عصر خود می‌داند که امر خداوند را اقامه خواهد کرد. او با برجسته کردن کاریزمای امام علی^(ع)، در صدد تسری ویژگی کاریزماتیک امامت بر امامان فاطمی است.^۱ در رساله دوم، او با رمزخوانی حروف حدود سبعة (هفت ناطق) را به کتاب المرقوم تأویل می‌کند که مقربون شاهد آن هستند و مقربون کسانی‌اند که خداوند آن‌ها را با وراثت، مخصوص گردانیده است. وراثت از نظر نویسنده همان مُلک عظیم است که خداوند آن را به ابراهیم و آل ابراهیم داده است. در این رساله، نظریه امامت منصوب که در آن ائمه توسط خداوند انتخاب می‌شوند و نه صرفاً از طریق وراثت پسر از پدر، به نوعی در نظریه تداوم امامت عیبدالله مهدی از طریق وراثت، استحاله شده است.^۲

در رساله سوم، نویسنده به تأویل آیاتی درباره قائم و حجج و مقام امام می‌پردازد. او با استفاده از آیات سوره الفجر علاوه بر بیان مقام علمی و معرفتی امام او را پناهگاه امت و مأمن و مأوای مردم معرفی می‌کند و یک‌بار قائم را همان صاحب‌الزمان و بار دیگر قائم بالسیف قبل از صاحب‌الزمان معرفی می‌کند. نزد او امامی هست که قبل از قائم با شمشیر خواهد آمد تا مردم را انذار دهد و آن‌ها را برای درک زمان قائم (القیامه) هشدار دهد. او در امر طاعت از امام، چنین استدلال می‌کند که کسی که علی^(ع) را وصی رسول خدا می‌داند، امامان پس از او را نیز باید امام بداند و از آن‌ها اطاعت کند. او از مقدار و ابوذر و سلمان به عنوان کسانی که مردم را به سوی علی دعوت کردند و حجج وصی و ناطقان به حکمت و شمشیر بودند نام می‌برد.^۳

رساله چهارم، نقل حدیثی از ابوالحسن از احمد بن محمد از حمل بن صباح از زراره از امام صادق^(ع) است در بیان آن که نخستین چیزی که خداوند آفرید، حروف معجم است که مجهول است چون ذات او مجهول است، و در حدیث دیگری از ابو عبدالله حسن در معانی اسم‌ها به حروف و هجا و نقش آن‌ها در تولید کلام و کتابت اشاره کرده است.^۴

۱ جعفر بن منصور الیمین، همان، صص ۲۳-۵۳.

۲ همان، صص ۵۴-۶۲.

۳ همان، صص ۶۳-۷۸.

۴ اشاره او به نام حسن که در رساله پنجم از او به عنوان ناطق بالسیف، دارای قدرت ظاهر، صاحب‌الزمان و قیة الزمان نام برده است عیبدالله مهدی است.

نویسنده در رساله پنجم که طولانی‌ترین رساله این اثر است سه بار به تأویل آیه کعبه پرداخته است و در هر سه بار کعبه را به حجّت تأویل می‌کند که به عنوان بیت الحرام به منزله امام صامت و به عنوان قیاماً للنّاس به امام ناطق تبدیل می‌شود. او اشاره می‌کند به امام محمد بن احمد که خود را حجّت نامید اما از سر تقیّه به خودش که امام بوده اشاره داشته است و این را فقط عدّه کمی می‌دانستند.^۱ او با این مقدمات در صدد بیان استدلال خود در مورد ناطقیّت القائم بامرالله فرزند عییدالله مهدی است بدین ترتیب که او را در حال حاضر، امام صامت می‌داند که به زودی با قیام بالظاهر، ناطق بالشریعه می‌شود و زمان او آخرالزمان است.^۲ جعفر بن منصور در کتاب *فرائض و حدود الدین* خود بار دیگر به همین امر اقرار کرده است. اگر باید فرزند عییدالله مهدی ناطق هفتم باشد که با ظهور او وعده الهی در تحقق عدل و قسط بر زمین اثبات خواهد شد و دوران پایانی تاریخ بشر آغاز می‌شود، پس توجیّهات عییدالله مهدی در مورد ظهور قائم القیامه پس از اکمال دور هفتم نه هفت امام زیر سؤال می‌رود.^۳

رساله ششم، عمدتاً به اثبات تأویلی امامت علی^(ع) تعلق دارد و آنان که در شناخت امام خود از هوای نفس پیروی کردند تا به متاع ناچیز دنیا برسند را سرزنش می‌کند.

این کتاب از نظر فرم و محتوا در رعایت جنبه سرّی و استفاده از حروف و اعداد رمزی و تأویل آیات و احادیث به آثار دیگر جعفر منصور شبیه است و در زمره آثار تعلیمی و تیشیری قرار می‌گیرد. در برخی مواضع، مؤلف از قول حکیم علیه‌السلام که در حال موعظه برای فرزندان است نقل تأویل می‌کند. در این کتاب، آیات چندین بار و هر بار به طریقی بدیع تأویل می‌شوند. نزدیک بودن و شباهت معنای حجّت و امام، مخصوصاً در توضیح شرح وظایف آن‌ها تأویل را بارأی مختار مؤلف به نحوی ممزوج کرده است که گاه تمیز آن‌ها ناممکن می‌نماید. سرسپردگی مؤلف به ایدئولوژی امامت و فرجام‌شناسی اسماعیلی او را از نقد دیدگاه اهل سنت باز نداشته است و این امر، مؤید تکوین و سپس تکامل ایدئولوژی اسماعیلی در مراحل بعد است. از نظر مؤلف، پایان تاریخ به زودی محقق خواهد شد و کسانی که دعوت حق را از سوی امام اجابت کنند در زمره زندگان اند و رستگار خواهند شد.

۱ جعفر بن منصور الیمن، همان، ص ۹۸.

۲ همان، ص ۱۰۰ - ۱۰۱.

۳ در این مورد رک: جعفر بن منصور الیمن، *الفرائض و حدود الدین*، نسخه خطی در مرکز اسماعیلی لندن.

۲.۲. کتاب العالم و الغلام

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه مؤسسه تحقیقات اسماعیلی لندن است که به تاریخ ۲۳ شوال سنه ۱۳۵۳ق. به خط محمدحسین آدم، استنساخ شده است. این نسخه در ۱۵۶ صفحه و در ده جزء به هم پیوسته آورده شده است. ناسخ برخی تصحیحات را در حاشیه کتاب انجام داده است. مصطفی غالب در مجموعه اربع کتب حَقَّانیه توسط مؤسسه الجامعة بیروت در سال ۱۴۰۷ق. ۱۹۷۸م. این کتاب را به تصحیح و چاپ رسانده است. جدیدترین ویرایش و ترجمه انگلیسی این کتاب را پروفیسور جیمز موریس با نام *The Master and the Disciple: An Early Islamic Spiritual Dialogue* به همراه تصحیح نسخه عربی آن جمعاً در یک کتاب توسط انتشارات I.B.Tauris در سال ۲۰۰۱م. با همکاری مؤسسه تحقیقات اسماعیلی انجام داده است. این کتاب در پنج فصل به بررسی مباحث تاریخی کتاب، آثار ادبی جعفر بن منصور و بررسی نسخ خطی کتاب *العالم و الغلام* و روش تصحیح آن‌ها می‌پردازد. قسمت‌هایی از کتاب قبلاً توسط ایوانف و هانری کربن به انگلیسی و فرانسه ترجمه شده بود. *العالم و الغلام* می‌تواند از جمله آثاری باشد که جعفر بن منصور به عنوان داعی قبل از تشکیل حکومت فاطمیان و یا اوایل همان دوره تألیف کرده است. شاهد این ادعا ژانر روایی و ادبیات تعلیمی است که با اشراف به مراحل دعوت، نوع پرسش‌های مستجیب و روش تعلیمی داعیان، مبانی اعتقادی اسماعیلی را در قالب داستانی نه خیالی بلکه محتمل به رشته تحریر می‌کشد. این در حالی است که سایر آثار جعفر بن منصور در عین تعلیمی بودن، خالی از فرآیند پرسش و جواب میان داعی و مستجیب است. به نظر می‌رسد جعفر بن منصور در تألیف این کتاب علاوه بر اهداف تعلیمی میان‌مدت و بلندمدت در روند فرآیند دعوت از مستجیب تا داعی و حجت، هدفی کلامی-فقہی را نیز کمابیش در نظر داشته است.

در قسمت دوم داستان که صالح، شخصیت نخست داستان به مناظره با فقیه قوم ابومالک عبدالجبار نامی می‌پردازد، تشابه اسمی قاضی عبدالجبار معتزلی با او، خواننده را تلویحاً به یافتن ارتباط میان دو مکتب معتزلی و تشیع برمی‌انگیزد. اگر این ارتباط در این داستان، مغرضانه ایجاد شده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که نقد رأی و قیاس معتزلی در مباحث اعتقادی و همچنین انتقاد از محوریت مذهبی فقها در نظام فقہی و کلامی اهل سنت به جای پیروی از حجج و اولیاء

1 Ivanow, W., *The Book of Teacher and Pupil*, Studies in Early Persian Ismailism, 1st ed., p.p 61-76; Corbin, H.(1981), *Ismaili Initiation or Esotericism and the Word*, London.

الهی، نشان از احتجاج با تفکر معتزلی دارد. صالح که در سرتاسر داستان از کیش و آئین اسماعیلی حرفی به میان نمی‌آورد با ورود به مباحث معرفتی به جدال احسن با رقیب می‌پردازد. او این کار را عمدتاً با تکیه بر فن بلاغت با استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی انجام می‌دهد در حالی که در ارائه شاهد مثال‌هایی از قرآن و سنت و براهین عقلانی و فلسفی، تلاش چندانی از او مشاهده نمی‌شود. آنچه این اثر را منحصر به فرد کرده است علاوه بر آموزش کیفیت دعوت مستجیب (به روش پرسش و پاسخ طالب و مطلوب)، در سطح بالاتر، روش احتجاج یک داعی بلاغ یا حجت با یک عالم سنی است که با هدف قرار دادن مهم‌ترین شاخصه‌های اعتقادی او در فضایی مملو از ادب و احترام و به دور از اتهام و تکذیب یکدیگر، به پیروزی داعی اسماعیلی ختم می‌شود. این روش با توجه به تشنّت و تکثر آراء در سده سوم هجری و داغ بودن بازار اتهام‌های فرقه‌ای، از بدعت و لطافت غریبی برخوردار بوده است. از سوی دیگر، علم و تجربه طولانی مؤلف در امر دعوت و شناخت او نسبت به هژمونی اهل سنت و گفتمان اسماعیلی را نباید از نظر دور داشت.

پروفسور موریس در مقدمه این اثر که به انگلیسی ترجمه کرده است نیز با نگاهی عرفانی به این اثر معتقد است جعفر بن منصور با گفتگوی ظاهری میان استاد و شاگرد در واقع به مفهوم باطنی حرکت روحانی و تکاملی انسان به سوی خداوند و سپس از خدا به خلق برای انجام وظیفه الهی نسبت به خدمت به خلق و هدایت بشر اشاره می‌کند. انجام دقیق واجبات الهی، صبر و بردباری در راه خداوند، حفظ سر و رازداری، مراحل است که انسان در رسیدن به معرفت حقیقی باید از آن‌ها با موفقیت عبور کند و جعفر در قالب تعلیم استاد به شاگرد، آن‌ها را به خواننده آموزش می‌دهد. پروفسور موریس معتقد است اندیشه باطنی اسماعیلی در ایجاد شکل جدیدی از تصوف در مغرب اسلامی نقش داشته است.^۱

۲.۳. کتاب الفرائض و حدود الدین

تصویر نسخه خطی این کتاب بدون تاریخ استنساخ (احتمالاً در سده ۱۳ هجری) از مجموعه پوناوالا در کتابخانه مؤسسه تحقیقات اسماعیلی لندن به صورت میکروفیلم نگهداری می‌شود. این کتاب که سه نسخه از آن در بخش اسناد مخصوص مرکز اسماعیلی موجود است دارای ۲۲ صفحه است. کتاب به دلیل دربرداشتن مضامین نام‌های از عیدالله مهدی در برهه تاریخی انشعاب

1 Morris, J. (2001), *The Master and the Disciple: An Early Islamic spiritual Dialogue*, I.B.Tauris, Introduction.

فاطمی - قرمطی از مهم‌ترین منابع اولیه اسماعیلیان نخستین محسوب می‌شود. عبيدالله مهدي مؤسس سلسله فاطمیان، این نامه را به‌سوی یمن فرستاد تا دلایل امامت و اصالت نسب خود را بر اسماعیلیان یمن و داعیان او که با اعلام امامت او دچار حیرت شده بودند آشکار کند. هرچند اصل نامه یا نسخه‌ای از آن موجود نیست اما تلاش جعفر بن منصور الیمن در بازخوانی آن و ذکر هر آنچه در اثبات این ادعا ضروری بوده در ابتدای کتاب از نظر تاریخی قابل ملاحظه است. این نامه حاوی دکترین عبيدالله مهدي در پایان یافتن دوران ستر و آغاز دور جدیدی از ائمه ظاهر در نظام ادواری جدید ناطقان است که پیش از آن نزد اسماعیلیان پایان یافته بود و اکنون در انتظار ظهور قریب‌الوقوع مهدي (محمد بن اسماعیل) به سر می‌برند. بازخوانی این نامه توسط جعفر بن منصور که با تأویل، آمیخته است به پیچیدگی اثبات نسب فاطمی عبيدالله مهدي افزوده است و گاه این شبهه پیش می‌آید که آیا این کلام عبيدالله مهدي است یا جعفر بن منصور؟ جعفر بن منصور قبل از بیان نامه، کتاب را با تأویل آیاتی از قرآن آغاز می‌کند و در آن «کتاب (قرآن)» را به «امام» تأویل می‌کند و اطاعت از دستورات خداوند و رسول را در کتاب، به اطاعت از امام به عنوان باطن قرآن و حامل دستورات الهی و نبوی معنا می‌کند. او در ادامه می‌کوشد توجیهاات تأویلی خود را جهت تصدیق و صحّت اظهارات عبيدالله مهدي در فاطمی بودن خود بیان کند. در حالی که متن نامه عبيدالله مهدي که در این کتاب توسط جعفر یا خود او، عبدالله نامیده شده است، صراحتاً نیامده است؛ اما واضح است که اظهارات عبيدالله مهدي درباره نسب خود و حقیقت ظهور او به عنوان مهدي آل محمد و نیز فرزندان او به عنوان ائمه مهدیین است.^۱ عبيدالله مهدي در این نامه از نسخ شریعت محمدی توسط مهدي چیزی نگفته بلکه با تأکید بر قیام به سیف و وظیفه مهدي را از وظیفه معادی ناطق هفتم یا مهدي قائم (القیامه) جدا می‌کند. اینکه آیا عبيدالله مهدي با محمد نامیدن فرزند خود و کنیه ابوالقاسم و لقب القائم بامرالله در صدد تحقق بشارت مهدي قائم و صاحب‌القیامه بوده است پیچیدگی دکترین اخیر او را که ظهور صاحب‌القیامه را به گذشت ادوار نامعلومی از امامان موکول کرده بود، بیش‌تر می‌کند. جعفر در ادامه نتیجه می‌گیرد که پسر عبيدالله مهدي همان محمد بن عبدالله، امام المنتظر است که عزت دین

۱ در این فراز نیز عبيدالله مهدي در صدد تفکیک وظیفه مهدي صاحب قیامت با مهدي صاحب زمان است. نظریه «هر امامی مهدي است» از نظر عبيدالله مهدي به این معناست که در هر عصری باید امامی ظاهر بالسیف و صاحب سلطان وجود داشته باشد.

به دست اوست و تحت لوای مؤمنین جهاد می‌کند.^۱ جعفر بن منصور در کتاب *الکشف* بازهم ابوالقاسم قائم بامرالله فرزند عیدالله مهدی امام دوم فاطمی را ناطق هفتم نامیده است.^۲ بدین ترتیب طبق دکترین عیدالله مهدی، فرزندان مهدی همچنان مهدی قائم هستند اما نه قائم‌القیامه. قاضی نعمان نیز در کتاب *ارجوزه مختارة* خود در ذکر دلائل امامت محمد قائم، او را همان قائم منتظر که موعود است خوانده است.^۳

۳. کتاب المناظرات ابن الهیثم^۴

از جمله نخستین آثار دوران کلاسیک فاطمی است که موضوع امامت و مسئله جانشینی رسول خدا را در بافتی غیر تأویلی مطرح کرده است. این کتاب که طبق محاسبات پل واکر و مادلونگ بین سال‌های ۳۳۴-۳۳۶ ق. نوشته شده است جزء ششم از «مجموعه‌ای از آثار اسماعیلی تحت عنوان کتاب الازهار و مجمع الانوار الملقوطة من بساطین الاسرار مجامع الفواکه الروحانية والثمار» تألیف حسن بن نوح هندی باروچی (بهروچی) (م. ۹۳۹ ق.) است که در کتابخانه مرکز تحقیقات اسماعیلی قرار دارد و در این تحقیق از آن استفاده شده است. پل واکر و ویلفرد مادلونگ این کتاب را با مقدمه و ویرایش متن عربی و ترجمه انگلیسی آنکه از نسخه کتاب الازهار برگرفته بودند تحت عنوان *ظهور فاطمیان: شاهد شیعی معاصر: تصحیح و ترجمه انگلیسی کتاب المناظرات ابن الهیثم*^۵ در سال ۲۰۰۰ م.

۱ جعفر بن منصور الیمن، کتاب *الفرائض و الحدود*، نسخه خطی در مرکز اسماعیلی لندن: Poonawala, 73:6, Ms 928 (suppl. Ar).

۲ جعفر بن منصور الیمن، کتاب *الکشف*، صص ۱۰۰ - ۱۰۱.

۳ قاضی نعمان، *ارجوزه مختارة*، نسخه خطی در مرکز اسماعیلی لندن: dated 1329 (1911), Poonawala, 62:25, Ms 860 (suppl. Ar).

۴ ابو عبدالله جعفر بن احمد بن محمد بن اسود بن الهیثم از شیعیان فرهیخته زمان خود بوده است (متولد ۲۷۳ یا ۲۷۴ هجری در کوفه) که به دلیل اشراف به علوم قرآن و حدیث و توانایی در مناظره پس از گرویدن به دعوت اسماعیلی در خدمت ابو عبدالله و برادرش ابوالعباس قرار می‌گیرد. مناظرات او با فقهای حنفی و مالکی و جبرگی او بر آن‌ها او را در زمره داعیان قرار داد. ابن الهیثم یکی از دو داعی بود که در هیئتی رسمی برای سپاسگزاری از پیوستن ابن حفصون به فاطمیان به اندلس فرستاده شد. او پس از حادثه کشتار داعیان توسط مردم ونشیرس در ۳۰۹ ق. به مغرب فرستاده شد و مصالحه‌بن حبوس و خواهرش را که ظاهراً تحت فرمان فاطمیان بودند مسئول این حادثه دانست. منبع: The Advent of Fatimids, pp. 52-54. فاطمیان بودند مسئول این حادثه دانست. منبع: پس از رضایت از اطلاعات ابن الهیثم و استواری او در مذهب شیعه از ابن الهیثم میثاق می‌گیرد و سپس او را در مورد صفت عصمت ائمه و نیز دلایل هفت امامی بودن اسماعیلیه آموزش می‌دهد. سمیه همدانی (۱۳۸۹)، *بین انقلاب و دولت*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزانه روز، ص ۲۵.

5 The Advent of Fatimids: A contemporary Shii Witness: An edition and English Translation of Ibn al-Hytham's Kitab al- Munazarat.

در لندن به چاپ رسانیدند. کتاب *الازهار* متشکل از هفت جزء از منتخبات ادبی اسماعیلی است که حسن بن روح هندی باروچی کتاب *المناظرات* ابن الهیثم را در ادامه مطالب خود در اثبات امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در جزء ششم آن آورده است. کتاب *المناظرات* از آثار اولیه فاطمی در دوران قدرت ابو عبدالله شیعی در یکی از مجالس تعلیمی او یا مجالس الحکمه است.^۱ *المناظرات* طبق اظهارات خود ابن الهیثم در ابتدای کتاب، بحث و گفتگوی او با ابو عبدالله شیعی و برادرش ابو العباس در مورد امامت و مسائل دیگر است.^۲ سوالات کوبنده ابو عبدالله که عموماً شبهات اهل سنت و جماعت بر مکتب شیعه است با صراحت لهجه و حتی بدون اغماض از نکات کمی میهم، یکی پس از دیگری فرود می آید و ابن الهیثم بدون تأنی و اضطراب با تکیه بر قرآن و احادیث، با اشراف به رویدادهای صدر اسلام و شناخت شأن نزول آیات، به روش عقلانی، استنباط و استعداد علمی خود را در مجلس مناظره اثبات می کند. استفاده از تفسیر اهل بیت و جری و تطبیق در نص به طور گسترده در استدلال های ابن الهیثم مشهود است. تنها در زمانی که ابو عبدالله با او به گفتگو و استدلال درباره تداوم امامت در فرزندان اسماعیل بن جعفر الصادق^(ع) می پردازد و شک او را نسبت به حقانیت اسماعیلیه به یقین ایمان تبدیل می کند؛ می توان جهان شناسی گنوسی اسماعیلی را در این مناظره مشاهده کرد. این جهان شناسی که با تقدس و کانونیت شخص امام قرین بود ابن الهیثم را که بر سر دوراهی قرار داشت مجذوب خود کرد.^۳ روش احتجاج ابن الهیثم عمدتاً نقلی مبتنی بر وحی و سنت پیامبر است و در این کار شباهت زیادی به کلام قاضی نعمان دارد و به دلیل عبور از مسائلی چون اثبات نسب فاطمیان و فرجام شناسی اسماعیلی که در آثار سابق وجود داشت نقطه عطفی در گذار از کلام تا ویلی اسماعیلی به کلام عقلانی محسوب می شود.

۴. رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا

یکی دیگر از منابع اسماعیلی نخستین رساله های *اخوان الصفا* و *خلان الوفا* است. این ۵۲ رساله

۱ قاضی نعمان ابی تا، *افتتاح الدعوة*، تحقیق فرحات دشراوی، ابی جا، شركة التونسية لتوزیع، ج ۲، صص ۴۹-۵۲.

۲ صرف نظر از اشارات تاریخی مهمی که ابن الهیثم در مورد جریانات سیاسی اجتماعی اندلس و مغرب در این خاطرات ذکر می کند، اطلاعات او درباره فرقه های امامیه پس از وفات امام صادق^(ع)، اعتقاد به وجود ابواب پس از رحلت امام حسن عسکری^(ع) تا رسیدن آخرین امام اثنی عشری به سن بلوغ و کسب امامت، احادیثی در فضیلت امام علی^(ع) مانند حدیث جابر، حدیث منزلت، حدیث کساء، ماجرای غدیر خم، قابل توجه است.

۳ حسین بن روح هندی باروچی (م. ۹۳۹ق)، *الازهار و مجمع الانوار الملقوطة من بساتین الاسرار*، مجمع الفواکه الروحانیة و الثمار، جزء السادس، کتابخانه مرکز اسماعیلی لندن.

مجموعه‌ای از آموزه‌های علوم انسانی و طبیعی در ترکیبی فلسفی-مذهبی است که نه تاریخ دقیق تألیف آن و نه هویت نویسندگان آن شناخته شده‌اند. تقریباً اکثر صاحب‌نظران حوزه اسماعیلیه، آنان را اسماعیلی می‌دانند و معتقدند که آنان در اوایل سده چهارم رسائل را در بصره نوشته‌اند.^۱ پروفیسور عباس همدانی که تحقیقات عمیقی پیرامون این اثر بزرگ کرده، معتقد است تاریخ تألیف آن بین سال‌های ۲۶۰-۲۹۷ق. یعنی قبل از تشکیل دولت فاطمیان بوده است.^۲ با این وصف، تألیف این اثر، هم‌زمان یا زودتر از تألیف کتاب *الرشد و الهدایه* اثر ابن حوشب بوده است. شباهت‌های اسماعیلی *اخوان الصفا* در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و نیز مباحث زبان‌شناسی و ساختار ادبی رسائل، مشهود است، هرچند هنوز ابهام‌هایی در تفکر فلسفی-باطنی اخوان وجود دارد که می‌تواند خطی میان ایشان و اسماعیلیان فاطمی در آستانه سده چهارم هجری رسم کند.^۳ شاید استفاده از نمادهای رمزی و گفتمان تعلیمی و استفاده از آیات و احادیث و گرایش‌ها تأویلی در استدلال‌های کلامی در کنار سرّی بودن تعلیم و توزیع رساله‌ها، گرفتن عهد و میثاق از گروندگان و بشارت ظهور مهدی و تأسیس «دولت اهل خیر» است که این اثر ارزشمند را در ردیف آثار اسماعیلی نخستین قرار داده است.

دفتری معتقد است رسائل *اخوان* در هیچ کدام از منابع اسماعیلی فاطمیان شناخته شده نیست؛ اما در دوره‌های بعد، اسماعیلیان طیبی مستعلوی یمن آن را ارج نهادند و حمیدالدین کرمانی در کیهان‌شناسی خود از آن بهره برده است.^۴ رسائل *اخوان الصفا* که در میان آثار کلاسیک اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است دارای ۵۱ یا ۵۲ رساله است که در قالب یک دائرةالمعارف تنظیم شده است. علوم در دو دسته طبیعی و ماوراءالطبیعه شامل موضوعاتی چون ریاضیات،

۱ دیوئر، *تاریخ فلسفه در اسلام*، ص ۸۶؛ هانری کربن (۱۳۷۷)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جواد طباطبائی، تهران: انتشارات کویر، ج ۲، ص ۱۹۰؛

Poonawala, Ismail, K.(1977), "Ismaili literature in Persian and Arabic", *The encyclopedia Iranica*, vol XIV, pp. 197-204.

۲ پروفیسور عباس همدانی در تحقیقات اخیر خود معتقد است که ایشان از داعیان پیشرو در تشکیل خلافت فاطمی بودند: نک. مقاله

"Brethren of Purity(1999), a secret society for the establishment of Fatimid Caliphate", in *M. Barrucand, ed L'Egypt Fatimide: son arte son historie*, Paris: pp. 73-82.

۳ مواردی نظیر تمایل آن‌ها به وحدت ادیان و نیز استفاده از فلسفه نوافلاطونی در بحث خداشناسی و رستگاری از طریق عقلانیت آنان را از دکتربین امامت اسماعیلی و تمرکز بر شخص امام دور می‌کند.

4 Daftary(1999), *A History of Shii Islam*, London: I.B.Tauris & Co Ltd, 2013, p. 120; Hamdani(1999), *Ibid*.

ستاره‌شناسی، موسیقی، منطق و مباحث معنوی و روحانی در آمیزه‌های از فلسفه و علوم قدیم و جدید عصر خود است. این رسائل، آینه‌ای از تفکرات و عقاید و آئین‌های مختلفی است که در مناسب‌ترین زمان ممکن در آغاز دوران میانه اسلام - که علوم عقلی یونانی در ترکیب با آموزه‌های اسلامی در حال دست‌وپنجه نرم کردن بود - در جامعه چند فرهنگی عراق وجود داشت. این یک حقیقت است که ترکیب مبانی فلسفه یونانی با شریعت - که از سده دوم هجری توسط حکمای مسلمان به وجود آمده بود - در حدود نیمه سده چهارم هجری در بحرانی‌ترین دوران خلافت عباسی توسط اخوان الصفا وارد مرحله جدیدی شد. تاریخ اسلام در این زمان، شاهد ظهور فرق و مذاهب متعدد کلامی و عمدتاً مخالفی بود که در ترکیبی نظری از آراء فلسفه یونانی و ادیان شرقی و شریعت اسلام، چارچوب نظری جنبش‌های آشکار و پنهان انقلابی اعم از سیاسی و علمی را رقم می‌زدند.

اخوان الصفا گروهی از اندیشمندان عصر خود بودند که با اشراف بر حکمت اسلامی بار دیگر فرضیه وحدت حقیقت عقل و وحی را این بار با هدف استفاده از عقل و براهین فلسفی در ایجاد وحدتی تمام‌عیار در جامعه به آزمون گزارادند. رسائل اخوان الصفا مجموعه‌ای از استنباط‌های حکمی اخوان و تبیین فلسفی علوم گوناگونی است که بشر برای رسیدن به رستگاری به آن نیازمند است.

۵. منصور بالله خلیفه فاطمی و کتاب تشبیت الامامة

ابوطاهر اسماعیل منصور بالله (۳۴۱-۳۳۴ ق. خلافت) خلیفه سوم فاطمی که در افریقیه متولد شده بود فرزند القائم بامرالله و پدر المعز بالله در سخت‌ترین دوران تشبیت قدرت فاطمیان مغرب به خلافت رسید. در زمان او شورش طولانی ابویزید مخلص کیداد، اباضی خارجی در داخل و خصومت‌های قرمطیان، امویان اندلس، بیزانس و نیز عباسیان از خارج، دولت نوپای فاطمی را در معرض خطر سقوط قرار داده بود. با این وجود، سیاست‌های مدبرانه المنصور بالله در به‌کارگیری تاکتیک‌های مؤثر نظامی و نیز مدارا با سنیان مالکی، ارابه حکومت را از لبه پرتگاه سقوط به عقب کشاند و به ناآرامی‌ها پایان داد.^۱ دوران هفت ساله خلافت المنصور علاوه بر دستاوردهای

۱ در مورد تاریخ خلفای فاطمی در مغرب رک: ابن حنّاد (۱۹۷۷)، اخبار ملوک بنی‌عبید، ویراسته ج. بدوی، الجزیره؛ قاضی نعمان، افتتاح الدعوة، صص ۳۳۲-۳۳۵.

درخشان نظامی ظاهراً خالی از ثمر علمی نبوده است.

قاضی نعمان که در زمان منصور از جایگاه کاتب و خازن کتابخانه قصر به مقام قضاوت طرابلس رسیده و سپس قاضی القضاات در حوزه جدید منصوریه (تأسیس در ۳۳۷ق.) و پایتخت قدیم، مهدیه و قیروان شده بود^۱ در گزارشی در کتاب *دعائم الاسلام* خود از کتابی متعلق به منصور بالله سخن می‌گوید که در آن به‌طور جامع به اهمیت مبحث امامت و تعمق در اساس آن اشاره شده است.^۲ این در حالی است که نویسنده *دعائم الاسلام* در ادامه مباحث کلامی خود هیچ اشاره‌ای به محتوای کتاب منصور فاطمی و یا ارجاعی به آن نمی‌کند.

دو نسخه از این کتاب یکی متعلق به مجموعه همدانی و دیگری متعلق به مجموعه زاهد علی، در کتابخانه مرکز تحقیقات اسماعیلی لندن موجود است. پروفیسور ویلفرد مادلونگ در مقاله‌ای تحت عنوان *رساله‌ای در امامت خلیفه فاطمی منصور بالله* با استفاده از نسخه زاهد علی خلاصه‌ای از این رساله را که به‌زعم او متعلق به منصور بالله بوده آورده است. از جمله دلایل او در صحت انتساب این رساله به المنصور بالله آن است که المنصور پس از مدارای سیاسی خود با مالکیان سنی - که او را پس از مدتی حمایت از خارجیان، عاقبت در پیروزی بر ابویزید خارجی یاری رساندند - این رساله را به عنوان مانیفست وفاداری و عدم عدول خود نسبت به اصول اعتقادی شیعیان فاطمی می‌نویسد.^۳ در سال ۲۰۱۲م. مؤسسه مطالعات اسماعیلی اقدام به چاپ این اثر کرد. پروفیسور سامی مکارم که ویرایش متن عربی و ترجمه انگلیسی آن را در یک کتاب انجام داده بود، خود قبل از چاپ این اثر در سال ۲۰۱۲م. درگذشت. او با تطبیق هر دو نسخه، نسخه زاهد علی را معتبرتر دانسته و در تصحیح عربی و ترجمه انگلیسی علامت‌گذاری، پاراگراف‌بندی و عنوان‌نویسی کرده است. پروفیسور مکارم همچنین وقایع تاریخی متن را که به موضوع رساله نامرتبط بوده و نیز بحث‌های جدلی آن زمان در مورد شورش ابویزید که مورد حمایت مالکیان سنی بود را از ترجمه حذف کرده است. در این تحقیق از نسخه تصحیح شده سامی مکارم استفاده شده است.^۴

۱ سیمیه همدانی، همان، ص ۵۷، به نقل از خشتی در کتاب *طبقات علماء افریقیه*.

۲ قاضی نعمان (۱۳۸۵)، *دعائم الاسلام*، از روی نسخه نشر دارالمعارف مصر، قم: مؤسسه آل‌بیت^(ع)، ج ۲، صص ۴۰ و ۵۵.

3 W. Madelung(2003), "A treaties on the Imamate of the Fatimid Caliph al-Mansur bi-Allah"; Texts, documents and artefacts: Islamic studies in honor of D.S. Richards, ed. Chase F. Robinson, Leiden: pp. 69-77.

4 Makarem.

تشبیه الامامة، رساله‌ای در مورد اثبات امامت حضرت علی^(ع) است و در آن هیچ اشاره‌ای به خلفای فاطمی نمی‌شود. مؤلف در مقدمه این کتاب بیان می‌دارد که می‌خواهد امامت علی^(ع) را قبل از استفاده از روایات به روش عقلی و با استفاده از دعاوی فرقه‌هایی که اصل امامت را پذیرفته و به ضرورت وجود امام اذعان دارند، اثبات کند. نویسنده در این کتاب، امامت را امری دینی تلقی کرده و بر مصلحتی بودن یا انتخاب امام توسط امت، خط بطلان می‌کشد. او نه تنها در مقابل تفکر انتخاب امام توسط اجماع یا شورا می‌ایستد و خلافت شیخین را نامشروع می‌داند؛ بلکه ادله اهل سنت را در مشروعیت آن‌ها با دلایل تاریخی، عقلی و نقلی تکذیب می‌کند. روش منصور در استدلال امامت استفاده از احادیثی است که اهل سنت و جماعت در بیان مشروعیت عقاید خود می‌آوردند. او سپس با ارجاع به آیات و احادیث صحیح و متواتر نبوی که مورد قبول هر دو طرف است با براهین عقلی، امامت منصوص علی بن ابیطالب^(ع) را اثبات می‌کند. او در این کتاب عمدتاً با رجوع به شواهد مهم تاریخی در قبل و بعد از رحلت پیامبر اسلام^(ص) با احتجاج و براهین عقلی حقیقت نظریه امامت منصوص شیعه را به اثبات می‌رساند.

در هیچ مبحثی، نویسنده به جری و تطبیق^۱ نمی‌پردازد و هیچ‌گونه مباحث تأویلی و باطنی را مطرح نمی‌کند. از آنجا که نویسنده هیچ‌گونه اشاره‌ای به خود یا نیاکان خود نمی‌کند، مادلونگ معتقد است صرف‌نظر از چند دلیل کوچک می‌توان این اثر را از یک شیعه امامی دانست.^۲ روش نویسنده در این رساله کوچک، پرسش و پاسخ از اشخاص فرضی است که نماینده متکلمان عامه (اهل سنت و جماعت) هستند. او با ارائه پرسش‌های کلامی خود و پاسخ‌های احتمالی اهل سنت با ارجاع مکرر به شواهد تاریخی و قول و تقریر پیامبر^(ص)، سعی در متهم کردن گروه مقابل دارد. بدین ترتیب نویسنده در سراسر احتجاجات خود با اهل سنت در این کتاب سعی در شفاف‌سازی و تبیین نکات مورد مناقشه شیعه و سنی در مسئله خلافت رسول خدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

در بررسی و نقد نخستین آثار اسماعیلی به این نکات دست می‌یابیم:

نخستین داعیان اسماعیلی قرمطی، اپیستمه و جهان‌شناسی اسماعیلی را به وجود آوردند. سهم

۱ جری و تطبیق به معنای انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آن‌ها نازل شده است می‌باشد و از مصادیق آن انطباق الفاظ و آیات قرآن بر پیامبر^(ص) و اهل بیت (علیهم‌السلام) و مخالفان آنان است.

2 Madelung, op. cit., p. 77.

بزرگی از این معرفت‌شناسی متعلق به آئین و عقاید گنوسی و فلسفه نوفیثاغوری است. در هستی‌شناسی، گرایش به فلسفه نوافلاطونی و توجه به آفرینش و عالم مبدعات مشاهده می‌شود. هدف این داعیان به‌طور محتمل، ایجاد طرح اولیه و تمایز میان قرائت فلسفی اسماعیلی در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی با دیگر قرائت‌های عصر خود بوده است.

با ورود به آخرین دهه سده سوم هجری، داعیان اسماعیلی شاخه طرفداران عییدالله مهدی با تمرکز بر فرجام‌شناسی و تقویت باطنی‌گری به تأویل نصوص الهی روی آورده و به تبیین مباحث آخرالزمانی و ظهور مهدی و کانونیت او در هستی می‌پردازند. داعی ابن حوشب منصور الیمین، با امام دانستن حجت، راه را برای ادعای امامت عییدالله مهدی و تکامل نظری و عملی آن هموار کرد. در این دوره، اهداف سیاسی و ایدئولوژیک داعیان برجسته می‌شود.

با تأسیس خلافت فاطمیان در افریقه، آثار اسماعیلی آزادانه‌تر و با رویکرد تعلیم و تبلیغ ایدئولوژی اسماعیلی تولید می‌شود. این آثار عمدتاً توسط جعفر بن منصور الیمین تألیف شده است که در قالب فرجام‌شناسی تأویلی در صدد تقویت مشروعیت بخشی به امام و نظام فاطمی است. گنجاندن نامه عییدالله مهدی در کتاب *فرائض* و حدود الهی به عنوان مانیفست نسب فاطمی مؤسس خلافت فاطمیان، گامی مؤثر در جهت موجه جلوه دادن نظام خلافتی جدید است. حجم مباحث معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی در آثار این دوره فاطمی، بسیار اندک است و به نظر می‌رسد فاطمیان با دست‌یابی به قدرت، اکنون خواهان غنا و تکامل ایدئولوژی اسماعیلی با تکیه بر فرجام‌شناسی هستند. جعفر بن منصور در تلاش برای بازخوانی فرجام‌شناسی اسماعیلی در نظریه جدید عییدالله مهدی، نظام ادواری ناطقان را با تبیین مجدد حدود و فرائض الهی ترسیم می‌کند. آثار او همچنین روشن‌گر مکانیزم تعلیم و نظام دعوت اسماعیلی و میین فرهنگ تساهل و تسامح داعیان در عین اطاعت سلسله مراتبی در سازمان *دعوة الهادیه* است. جعفر بن منصور، بارزترین ایدئولوگ فاطمی است که توانست به کمک استعداد غریب خود در تأویل آیات و احادیث مبانی کلامی، فاطمیان اسماعیلی را پایه‌گذاری کند.

تئیت *الامامة منصور خلیفه فاطمی* در دهه چهارم سده چهارم هجری زمانی که فاطمیان در داخل و خارج قلمرو خود در شمال افریقا رسمیت نسبی پیدا کرده و از نظر ایدئولوژی نیز با مدارا و تساهل اکثریت شهروندان مالکی را به اطاعت وادار کرده‌اند - نوشته می‌شود. این اثر اگر به راستی متعلق به منصور خلیفه فاطمی باشد، نقطه عطفی در تاریخ تولید مکتوبات اسماعیلی است،

چرا که پس از کتاب المناظرات ابن هیثم که توانست نخستین پسرمان صرفاً عقلی (و نه تأویلی) را در تاریخ اندیشه اسماعیلی در مناظره میان ابو عبدالله شیعی و ابن هیثم به تصویر بکشد، این اثر نشانه ظهور گفتمان عقلانی به جای گفتمان تأویلی و تعدیل دیدگاه باطنی گری اسماعیلی است. این رویکرد که در آثار قاضی نعمان و روش کلامی او دنبال می‌شود کاشف از ضرورت محاجه و استدلال‌های عقلانی فاطمیان در دوران پس از استقرار است. در این دوران است که فاطمیان شیعه باید در مقابل دیدگاه بربرهای خارجی و اکثریت سنی - مالکی شهرهای شمال آفریقا چارچوب نظری اسماعیلی را به نوعی مفصل‌بندی کنند که از استحکام و ثبات عقلانی برخوردار باشد و به آسانی مقهور انتقادات و اتهاماتی چون باطنی‌گری و ملاحظه‌قرار نگیرد، بدین ترتیب، اسماعیلیان باطنی اولیه در زمانی به بلندی یک سده با رشد خودآگاهی و درک ضرورت‌های تاریخی در چرخشی عقلانی به تعدیل رویکرد تأویلی خود پرداختند تا با عبور از مباحث فرجام‌شناسی اکنون، امامت و امام‌شناسی را در دوران بلوغ فکری خود برجسته کنند. این امر کمی بعد در دوران المعزالدین الله رسماً توسط قاضی نعمان در تفکیک فقه سنتی و سیاسی اسماعیلی از اثنی- عشری و زیدی تجلی کرد.

منابع و مأخذ

نسخ خطی (مأخوذ از خزانه مرکز مطالعات اسماعیلی لندن)

- Al-Urjuzah al- Mukhtarah, Al-qadi Nu'man, dated 1329 (1911), Poonawala, 62:25, Ms 860 (suppl.Ar).
- Kitab al Faraid wa Hudud al- Din, Jafar ibn Mohammad ibn Mansur Al-Yaman, n. d. 13 (19th) cent. Poonawala, 73:6, Ms 928 (suppl. Ar).
- Kitab al Alim wal Gholam, Jafar ibn Mohammad ibn Mansur Al-Yaman, dated 1353, Ms 1013 (suppl.Ar).

منابع فارسی و عربی

- ابن حنّاد (۱۴۰۱ ق.)، اخبار ملوک بنی‌عبید، تحقیق التهامی نقره و عبدالحلیم عویس، مصر: دارالصحوه.
- ابن منصور الیمین، جعفر (۱۴۰۴ ق.)، الکشف، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: داراندلس.
- -----، فرائض و حدودالدین، نسخه خطی شماره 73:6, Ms 928 در مرکز اسماعیلی لندن.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله ابی‌خلف (۱۳۶۱)، المقالات و الفرق، تصحیح محمد جواد مشکور، تهران: مرکز

- انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهروچی، حسین بن روح هندی [بی تا]، *الازهار و مجمع الانوار الملقوطة من بساتین الاسرار مجامع الفواکه الروحانیة و الثمار*، جزء السادس، (م. ۹۳۹ ق.)، لندن: کتابخانه مرکز اسماعیلی لندن.
 - تامر، عارف (۱۹۷۵)، *خمس رسائل اسماعیلیه، سلمیّه، سوریه: منشورات دار الانصاف*.
 - ——— (۱۹۸۲ م/ ۱۴۰۲ ق.)، *تحقیق و تصحیح شجرة البقیین، بیروت: دار الآفاق الجدیده*.
 - حاج ابراهیمی، طاهره، «عرفان یهودی و مکتب گنوسی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، *پرتال جامع علوم انسانی*، کد ۸۸۳۷۸.
 - دبوئر، تی. جی. (۱۳۶۲)، *تاریخ فلسفه در اسلام*، ترجمه عباس شوقی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی، چ ۳.
 - دفتری، فرهاد (۱۳۸۶)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزانه روز.
 - ——— (۱۳۸۲) (تدوین)، *تاریخ و اندیشه‌های اسماعیلیه در سده‌های میانه (مجموعه مقالات)*، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات فرزانه روز.
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - سسجستانی، اسحاق بن احمد ابویعقوب [بی تا]، *الافتخار، تحقیق و تقدیم مصطفی غالب، بیروت: دار الاندلس*.
 - ——— (۱۳۷۷)، *اثبات النبوت، حقیقه و قدم له عارف تامر، بیروت: [بی نا]*.
 - عبدان، داعی (۱۹۸۲ م/ ۱۴۰۲ ق.)، *شجرة البقیین، به تحقیق عارف تامر، بیروت: دار الآفاق الجدیده*.
 - عمادالدین، ادیس (۱۹۷۵ م.)، *عیون الاخبار، ج ۵، مصطفی غالب، بیروت: دار الاندلس*.
 - فاخوری حنا و خلیل الجر (۱۳۶۷)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چ ۳، تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
 - کرین، هانری (۱۳۷۷)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جواد طباطبائی، تهران: انتشارات کویر، چ ۲.
 - مدرسی، محمد تقی (۱۳۷۳)، *مبانی عرفان اسلامی*، ترجمه محمد صادق پرهیزکار، تهران: بقیع.
 - مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰)، *دائرة المعارف فارسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر*.
 - منزوی، علینقی (۱۹۶۶ م.)، *فهرست کتب و الرسائل: فهرست المجدوع، تهران: مکتبه الاسدی*.
 - نعمان، ابوحنیفه نعمان (۱۹۸۶)، *افتتاح الدعوة، تحقیق فرحات دشراوی، [بی جا]: شركة التونسية لتوزیع*، چ ۲.
 - ——— (۱۳۸۵)، *دعائم الاسلام، از روی نسخه نشر دارالمعارف مصر*، قم: مؤسسه آل بیت^(ع)، چ ۲.
 - نویختی، حسن ابن موسی (۱۳۵۵)، *فرق الشیعه، تصحیح محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مطبعة حیدریه*.
 - هالم، هاینز (۱۳۸۲)، «جهانشناسی اسماعیلیه پیش از فاطمیان».
 - همدانی، سمیه (۱۳۸۹)، *بین انقلاب و دولت*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزانه روز.

مأخذ و فهارس انگلیسی

- Cambridge Online Journals (Feb.1955), Bulletin school of Orientals and African Studies, vol 17, 01.
- Daftary, F(2013), *A History of Shii Islam*, London: I.B.Tauris & Co Ltd.
- De Blois, francois(2011), *Arabic, Persian and Gojarati Manuscripts*, I.B. Tauris, London.

- Hamdani, Abbas(1999), “Brethren of Purity, a secret society for the establishment of Fatimid Caliphate”, in M. Barrucand, ed *L’Egypt Fatimide: son art son histoire*, Paris.
- Ivanow, V. (1993), *A Guide to Ismaili Literature*, London: Royal Asiatic Society.
- Ivanow, W.(1948), *The Book of Teacher and Pupil in his studies in Early Persian Ismailism*, 1st ed, Leiden.
- ---- (1948), *Fragments of Kitabur- Roshd Wal-Hidayat*, ed Mohammad Kamil Hussein in W. Ivanow, ed., *Collectanea*, Vol1, Leiden.
- Madelung, W. and Walker, P.(2000), ed and tr., *The Advent of Fatimids: A contemporary Shii Witness: An edition and English Translation of Ibn al- Hytham’s Kitab al-Munazarat*, London: I.B. Tauris.
- Makarem, Sami(2013), ed and tr., *The Shi’i Imamate: A Fatimid Interpretation*, an Arabic edition and English translation of the Tathbit al-imama, attributed to the Fatimid Caliph- Imam al-Mansur, London: Institute of Ismaili Studies.
- Morris, J.,ed. and tr.(2001), *The Master and the Disciple: An Early Islamic spiritual Dialogue*, London: I.B.Tauris.
- Poonawala, Ismail, K.,”Ismaili literature in Persian and Arabic”, *The encyclopedia Iranica*, vol XIV.
- Poonawala, I. K.(1977), *Biobibliography of Ismaili Literature*, Malibu, California.
- Robinson, Chase F.(2003), ed., *Texts, documents and artefacts: Islamic studies in honor of D.S. Richards*, ed, Leiden.
- Walker, Paul E. (Jul.- Sep. 1994), “Abu Tammam and His kitab al-Shajara: A new Ismaili treatise from tenth century Kurasan”, *Journal of the American Oriental Study*, Vol. 114, No 3, pp. 343- 352.